

مقدمه

مفهوم مصونیت سیاسی از زمان معاهده ی وستفالی^۱ که برابری حاکمیت دولتها را پیش بینی کرده بود و نمایندگان دولتها را از فرایند حقوقی دولتهای دیگر (اعم از مدنی و کیفری) ایمن نگه می داشت، تا امروزه که این مفهوم در پرتو حقوق بین الملل عرفی، متون قطعنامه های شورای امنیت، حقوق بشر، اساسنامه ی دیوان کیفری بین الملل و دیگر اسناد بین المللی مربوطه معنایی جدید یافته، تحولی چشمگیر داشته است و محدودیت بارزترین نماد این تحول بوده است.

پس از جنگ جهانی اول دول فاتح بر اساس معاهده ی ورسای ۱۹۱۹ خواستار محاکمه ی امپراتور آلمان شدند، پس از جنگ جهانی دوم دادگاههای نظامی نورمبرگ و توکیو صریحاً مسؤولیت انفرادی اشخاص در جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را مورد شناسایی قرار دادند و متعاقب آن دادگاههای کیفری یوگوسلاوی سابق، رواندا و سیرالئون، رژیم مصونیت سیاسی سران دولتها را دچار دگرگونی کردند.

با نگاهی گذرا به سیر تاریخی این تحول و مطالعه ی نصوص بین المللی^۲، نقش کلیدی حقوق بین الملل کیفری^۳ در این تحول و ارتباط مستقیم توسعه ی این شاخه از حقوق بین الملل با تحول مفهوم مصونیت آشکار می گردد.

این تحولات در جهت محدودیت و حتی لغو مصونیت سیاسی سران دولتها به ویژه در جنایات علیه صلح بین المللی سیر می کنند. تحولاتی که نه فقط ناشی از اراده ی جمعی بین المللی که

^۱ - این معاهده در ۲۴ اکتبر ۱۶۴۸ میان آلمان، اتریش سوئد و فرانسه به امضاء رسید و بر مبنای آن جنگهای دامنه دار پروتستانها و کاتولیکها به پایان رسید.

^۲ از جمله قطعنامه ی ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ماده ی ۴ کنوانسیون ۱۹۴۸ کشتار جمعی، ماده ی ۳ کنوانسیون ۱۹۷۳ آپارتاید، مواد ۴ تا ۱۲ کنوانسیون منع شکنجه، مصونیت سران دولتها در ارتباط با جنایات بین المللی را مورد تأیید قرار میدهند

^۳ . International Criminal Law

بیش از آن معلول گسترش و نفوذ اجتناب ناپذیر حقوق بشر در عرصه حقوق بین الملل کلاسیک و حتی در درون حاکمیت دولتها است.

هدف تحقیق:

نظر به اینکه در شاخه ی حقوق بین الملل کیفری اهم مسؤلیت متوجه افراد است، دیگر نمی توان صرفاً دولتها و سازمانهای بین المللی را تابعان حقوق بین الملل دانست و از طرفی افراد مسؤل در این زمینه که سران دولتها می باشند، طبق حقوق بین الملل عرفی دارای مصونیت‌های سیاسی می باشند. لذا هدف تحقیق حاضر تبیین این مسأله است که تأثیر تحولات حقوق بین الملل کیفری بر مفهوم مصونیت سیاسی سران دولتها و لغو یا تحدید مصونیت آنها در انجام جنایات بین المللی نه تنها خدشه ای به ماهیت مصونیت سیاسی وارد نمی آورد، بلکه مانعی بر سر راه افسار گسیختگی سران خودکامه ی برخی دولتها و سوء استفاده از مفهوم مصونیت است.

اهمیت تحقیق:

تحقیق حاضر از آن جهت حائز اهمیت است که:

اولاً: از یک سو حلقه ی ارتباط بین علوم سیاسی (روابط بین الملل) و حقوق بین الملل می باشد و از طرفی حلقه ی ارتباط بین جنبه های مختلف حقوق بین الملل مانند حقوق دیپلماتیک و حقوق بین الملل کیفری است.

دوماً: گاه بین منافع دارندگان مزایا و مصونیت سیاسی با حقوق بشر (از منظر حقوق بین الملل) یا حقوق ملت (از منظر حقوق عمومی) تعارض ایجاد می شود که این تعارضات معلول تفسیر موسع از مفهوم مصونیت است

از این رو تبیین این مفهوم در پرتو حقوق بین الملل معاصر و در نظر گرفتن سیر تاریخی تحول حقوق بین الملل کیفری، به گونه ای که هم محترم شمردن اصل مصونیت مورد توجه

باشد و هم نتوان از آن به عنوان ابزاری برای سرکوب و اعمال جنایت استفاده کرد، از اهمیت ویژه ای برخوردار می گردد.

سوالات تحقیق

سوالات اصلی که در این رساله با آن روبرو هستیم به شرح ذیل است:

۱- ضرورت تحدید مصونیت سیاسی سران دولتها بویژه در ارتکاب جنایت بین المللی

چیست؟

۲- راهکار ها و مکانیزمهای بین المللی اعمال این محدودیتها کدامند؟

سوالات فرعی تحقیق (بیان مساله) از قرار زیر است:

۱- آیا ضرورت وجود و توسعه ی محدودیت در برابر مصونیت سران، اقدامات بین المللی

جدیدی را در زمینه ی تصویب نصوص جدید (معاهده و قطعنامه) می طلبد یاخیر؟

۲- آیا تحولات صورت گرفته در زمینه ی حقوق بین الملل کیفری و محدودیت های موجود

به عنوان ابزاری بازدارنده در مقابل قدرت و مصونیت صاحبان قدرت بوده است یا خیر؟

۳- و بالاخره آیا رویکرد سران دولتها در عصر حاضر بویژه در تحولات اخیر خاورمیانه

و نحوه ی برخورد دولتها با ملت ها حاکی از کفایت تأثیر این تحولات بر پندار صحیح سران

دولتها از مفهوم مصونیت بوده یا خیر؟

فرضیات تحقیق

فرضیه اول: ضرورت تغییر در مفهوم و دامنه مصونیت سیاسی به ویژه در قالب تحولات

حقوق بین الملل کیفری اجتناب ناپذیر بوده و خود معلول برجسته تر شدن روز افزون مفهوم

حقوق بشر می باشد.

فرضیه دوم: روند برخورد حکومتها با ملتها بویژه در منطقه ی خاورمیانه و در جنبشهای

مردمی اخیر بیانگر این امر بوده که تحولات حقوق بین الملل کیفری نتوانسته به تفهیم مفهوم

واقعی مصونیت که همانا تنها در راستای انجام وظایف قانونی دولتمردان توجیه می شود، منجر گردد.

روش تحقیق :

در این مجموعه روش تحقیق کتابخانه ای است و بر مبنای کتب و مقالات معتبر داخلی و خارجی جمع آوری شده است که به واسطه ی ماهیت تحقیق عموماً جدید و نزدیک به زمان تالیف است . همچنین بررسی متغیر های عینی و رویدادهای اخیر جهان و منطقه و بررسی آنها با موازین حقوقی در انجام این تحقیق مطلوب بوده است.

مجموعه حاضر از سه بخش تشکیل شده است. در بخش نخست ضمن بررسی مفهوم مصونیت سیاسی و انواع آن، تبیین حیطه ی حقوق بین الملل کیفری و تمیز آن از حقوق کیفری داخلی که بعضاً قابلیت اجرا در عرصه ی بین الملل پیدا می کند، تعیین دامنه و حیطه ی تحقیق، اشاره ای مختصر به تاریخچه و سیر تکاملی تحول مفهوم مصونیت سیاسی خواهیم داشت و در دو بخش پایانی ضمن بررسی ضرورت تحولات صورت گرفته در این زمینه و اینکه چگونه مفاهیم آمره ی حقوق بین الملل (به ویژه در زمینه ی جنایات جنگی) بر قواعد حقوق بین الملل عرفی و حتی حیطه ی حاکمیت دولتها و مفهوم مصونیت حاکمان دولتها تأثیر گذاشته است، به ارزیابی این تحولات از نظر میزان کارآمد بودن آنها در رویارویی با جهان معاصر و بویژه منطقه ی خاور میانه خواهیم پرداخت تا در پایان به این مهم نائل آییم که هرچند تحولات صورت گرفته و محدود و محدودتر شدن حیطه ی مصونیت سران بویژه در جنایات بین المللی ضروری بوده است اما رویکرد حاکمان خودکامه در عصر حاضر بیانگر ضرورت همکاری بین المللی هرچه بیشتر در زمینه ی ایجاد راهکارهای جدید تر است.

بخش اول:

شناسائی حقوق بین الملل کیفری و مصونیت سیاسی

این بخش را ذیل دو عنوان شناسایی حقوق بین الملل کیفری و جایگاه حقوقی مصونیت سیاسی
بررسی خواهیم نمود.

فصل اول: شناسایی حقوق بین الملل کیفری

در این فصل برای درک و شناخت حقوق بین الملل کیفری باید ابتدا آن را تعریف کنیم و تمایزات این اصطلاح را با مفاهیم مشابه باز شناسیم سپس به تاریخ پیدایش این رشته نگاهی گذرا داشته باشیم تا در بخش آتی به سیر تحولات مفصل این رشته تا به امروز بپردازیم.

مبحث اول: تعریف حقوق بین الملل کیفری

برای رسیدن به مفهوم صحیح حقوق بین الملل کیفری ناگزیر باید حقوق کیفری بین الملل را نیز مد نظر قرار دهیم. چنانچه بخواهیم از دید نظری به این دو اصطلاح نگاه کنیم باید به تفاوت آنها از نظر منابع و نوع حقوق قابل اجرا در مورد آنها (داخلی یا بین المللی) اشاره کرد. حقوق کیفری بین المللی (اجرای بین المللی حقوق داخلی): رشته ای از حقوق کیفری داخلی است؛ یعنی هم قانون کیفری و هم قانون دادرسی کیفری که کیفیات خاص اجرای خود را درباره ی مسائل بیان می کند و در آنها عنصر برون مرزی وجود دارد. بنابراین حقوق کیفری بین المللی علمی است که صلاحیت محاکم داخلی را نسبت به محاکم خارجی و اجرای قانون کیفری (قانون ماهوی و شکلی) نسبت به مکان و افراد تابع این قانون و اعتبار احکام کیفری خارجی را در کشور معین بررسی می کند. منظور از این اصطلاح می تواند جنبه های بین المللی حقوق جزای داخلی باشد و شبیه به آن چیزی است که در دعاوی مدنی موجب بحث از تعارض قوانین یا حقوق بین الملل خصوصی می گردد.^۱

حقوق بین الملل کیفری، قواعدی بین المللی است که رفتاری را مقرر می دارد و کیفری برای نقض آن معین می کند. اصطلاح حقوق بین المللی کیفری را در جایی باید استفاده کرد که حقوق جنایی مربوط به اعمالی مطرح است که نظم عمومی بین المللی را مختل می سازند، مثل

^۱. میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل، نشر میزان، چاپ دوم بهار ۸۶ ص ۱۹

جنایات جنگی. در حقیقت تفاوت اصلی در این است که حقوق بین المللی کیفری از توافق بین دولتها حاصل می شود اما حقوق کیفری بین المللی ناشی از اراده ی یک کشور و حاکمیت ملی و یکی از شعب حقوق کیفری ملی (داخلی) است.^۱

هرچند این تمایز منطقی و دقیق است، اما در عمل چندان مورد نظر قرار نگرفته است. مطالعه ی آثار حقوقدانان فرانسوی نیز تأیید کننده ی عدم وجود اختلاف میان اصطلاحات حقوق کیفری بین الملل و حقوق بین الملل کیفری است و می توان اصطلاح حقوق کیفری بین المللی را در همه ی مفاهیم فوق به کار برد و آن به این دلیل است که اولاً به آن قسمت از حقوق خصوصی داخلی که جنبه ی فرامرزی گرفته حقوق بین الملل خصوصی گفته اند، نه حقوق خصوصی بین المللی و دوم اینکه حقوق کیفری نظام بین المللی چیزی جدای از نظامهای داخلی نبوده است.^۲

باتوجه به مطالب گفته شده و با عنایت به عدم تمایز کاربردی بین این دو اصطلاح و جهت روشن شدن حیطه ی تحقیق باید گفت که منظور ما از این اصطلاح، چیزی است که یک محکمه کیفری بین المللی در صورت ایجاد شدن باید آن را اجرا نماید. یعنی حقوق کیفری بین الملل به معنی خاص و دقیق کلمه.^۳

مبحث دوم: پیشینه ی حقوق بین الملل کیفری

تا اواخر قرن نوزدهم تنها جرایمی همچون دزدی دریایی^۴، جرایم جنگی^۵ و یا تجارت برده^۱ به عنوان جرایم بین المللی قابل مجازات دانسته می شدند و تا قرن بیستم میلادی هیچ موردی نمی

^۱ غیر از دو مفهوم فوق گاهی نیز منظور، الزامات دول در حقوق داخلیشان نسبت به رعایت خصیصه بین المللی برخی از

جرایم است مثلاً رعایت موازین حقوق بشر. میر محمد صادقی، همان

^۲ شریعت باقری، محمد جواد، حقوق کیفری بین المللی، نشر جنگل، چاپ اول ۱۳۸۴ ص ۱۳

^۳ میر محمد صادقی، مأخذ یاد شده. ص ۲۰

^۴ Piracy

^۵ War Crimes

توان یافت که یک رهبر سیاسی یا یک فرمانده نظامی به خاطر ارتکاب جنایات جنگی به محاکمه کشانده شده باشد و نیز هیچ دادگاه بین المللی وجود نداشت که بتواند صلاحیت خود را در قبال سران دولت ها اعمال نماید. همچنین دادگاه های ملی نمی توانستند صلاحیت خود را در قبال سران دولت های در قدرت و دولت های پیشین بخاطر رفتار و عملکردشان اعمال نمایند.^۲

این نظر ریشه در مبنای الهی قدرت حاکمان و پادشاهان داشت. هیچکس نمی توانست حاکم خطا ناپذیر را به محاکمه بکشاند و اگر هم چنین می شد رأی همواره باید به نفع حاکم می بود. این مصونیت آنان را از زندانی شدن معاف می داشت و هنگام سفر از آنان حمایت می کرد.^۳

^۱ . Slave Trade

^۲ . میرمحمد صادقی، حسین: مقدمه کتاب «حقوق کیفری بین المللی»، تألیف: کیتیچایساری، کریانگساک مترجم: حسین آقای جنت مکان (تهران: انتشارات دانشور، چاپ اول، ۱۳۸۲) ص ۵.

^۳ . رابرتسون، جفری، جنایات علیه بشریت، ترجمه گروه پژوهشی دانشگاه علوم رضوی، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی چاپ اول ۱۳۸۳ ص ۵۱۰

فصل دوم: جایگاه حقوقی مصونیت سیاسی

در این فصل به منظور درک بهتر جایگاه حقوقی مصونیت سیاسی ابتدا به مفهوم این مصونیت پرداخته و سپس تفاوت مصونیت سیاسی با دیگر مصونیتها و مبانی و انواع مصونیتها را بیان خواهیم نمود.

مبحث اول: مفهوم مصونیت سیاسی

واژه ی «مصونیت» در ادبیات حقوقی فارسی، معادل و ترجمه ی واژه ی (Immunity) در نظر گرفته شده است و مصدر جعلی به معنای مصون ماندن و محفوظ بودن است. از نظر اشتقاق، کلمه ی «مصون» اسم مفعول به معنای حفاظت شده است و در لغت عرب ریشه ی «صون» هر جا به کار رود، در آن معنای محافظت نهفته است. با آنکه «مصونیت» واژه‌ای تازی است، ولی حقوقدانان عرب، واژه‌هایی چون حرمت، امتیاز، استثنا، معافیت و حصانت را به عنوان ترجمه و معادل (Immunity) به کار می‌برند، هرچند در معنای اخیر بیشتر شایع است.^۱

مصونیت سیاسی در ترمینولوژی حقوق به معنای مصون بودن نمایندگان سیاسی کشوری در کشور دیگر است. آنان تابع دادگاههای محل ایفای وظایف خود نیستند. بلکه تابع دادگاههای کشور متبوع خود می‌باشند. این مصونیت شامل زن و فرزند آنان هم می‌باشد. این مصونیت شامل دعاوی جزائی، مدنی و تعرضات انتظامی است و حتی برای ادای شهادت هم نباید احضار شوند.^۲

^۱. میر محمدی، سید مصطفی، سوء استفاده از مصونیت‌های دیپلماتیک و ضمانت اجرای آن در حقوق بین‌الملل، نامه مفید

شماره ۳۳ سال ۱۳۸۱ ص ۱۳۴

^۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، ص ۳۳۹۰

در اینجا برای روشن شدن مفهوم مصونیت لازم است دو دسته از افراد دارای این مصونیت از یکدیگر جدا شوند. گروه اول کارگردانان سیاست خارجی و گروه دوم مأموران دیپلماتیک. گروه نخست شامل افرادی می‌گردد که در بالا ترین سطوح مقامات دولتی زیر پوشش دولت و به نام دولت در تعیین خط و مشی دولت دخالت دارند و عبارتند از رئیس کشور، زمامدار حکومت یا نخست وزیر و خصوصاً وزیر خارجه.

گروه دوم افرادی هستند که به نمایندگی از طرف دولت خود و توسط وزارت خارجه ی مطبوع خویش به کشورهای دیگر اعزام می‌شوند. آنها وظیفه ی اجرای سیاست خارجی دولت خود در ارتباط با دولت میزبان را دارند. این افراد تحت عنوان دیپلمات شناخته می‌شوند و عبارتند از رئیس نمایندگی دیپلماتیک، رایزنان، دبیران و وابستگان سفارت.^۱

تفاوت این دوگروه از دیدگاه حقوقی در این است که گروه اول مشمول حقوق داخلی کشورها هستند، نحوه ی انتخاب، انتصاب، حدود صلاحیت قلمرو وظایف و مسؤلیت آنها همه در قوانین داخلی کشورها تعیین می‌شوند. از منظر حقوق بین الملل نیز مقررات مربوط به آن ناشی از عرف و نزاکت است و جز در موارد محدود به شکل کنوانسیون در نیامده اند. اما در مورد گروه دوم (مأموران دیپلماتیک) اگر چه آنها نیز مشمول قواعد عرف و نزاکت بین المللی بوده اند، اما از سال ۱۹۶۱ و با انعقاد کنوانسیونی تابع مقررات مدون بین المللی گردیده اند که تا حدود زیادی وضع آنان را مشخص نموده است.^۲ هر کدام از این دوگروه دارای مصونیت می‌باشند که به مصونیت گروه نخست مصونیت سران و به مصونیت گروه دوم مصونیت دیپلماتیک می‌گویند.

آنچه که مورد نظر تحقیق حاضر است مفهوم مصونیت گروه نخست یعنی سران دولتها از نظر حقوق بین الملل می‌باشد که اینگونه تعریف می‌شود:

^۱. ذوالعین، پرویز، حقوق دیپلماتیک، انتشارات وزارت امور خارجه تهران ۱۳۷۹ ص ص ۱۹-۲۲

^۲. کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱

«هرکشور و یا مقامات عالی رتبه ی آن در کشور دیگر از یک سلسله امتیازاتی طبق حقوق بین الملل برخوردارند که به آن امتیازات مصونیت می گویند. صاحبان این امتیازات بدلیل موقعیت شان مصون از تعرض، مصون از تعقیب و محاکمه و مصون از هرگونه اقدام اداری و اجرائی اند. این مصونیت در واقع مصونیت از صلاحیت است که نتیجه آن معافیت از مسؤلیت است.»^۱

مبحث دوم : تفکیک مصونیت سیاسی از سایر اقسام مصونیت

همانطور که ملاحظه شد از منظر حقوق بین الملل مصونیت سیاسی از مصونیت دیپلماتیک مجزا است. علاوه بر این در زمینه ی حقوق عمومی داخلی نیز نوعی مصونیت وجود دارد که مصونیت پارلمانی نامیده می شود که هرچند از دید حقوق بین الملل قابل بررسی نیست اما به جهت روشن شدن حیطه ی تحقیق در این مبحث ابتدا به مصونیت پارلمانی سپس به مصونیت دیپلماتیک و نهایتاً به مصونیت سیاسی سران که موضوع اصلی این تحقیق است و انواع هر یک از این مصونیت ها می پردازیم.

گفتار اول: مصونیت پارلمانی

این مصونیت از مجموعه ای تدابیر قانونی تشکیل شده که نماینده ی پارلمان را زیر پوشش حمایت خود می گیرد و از تعقیب قضایی یا اعمال پلیسی حفاظتش می کند. به بیان دیگر مصونیت با هدف حمایت از نمایندگان پارلمان در مقابل تعقیب های قضایی سوء و تضمین آزادی اندیشه و عمل آنها صورت می گیرد. البته لازم به ذکر است که، این اصل به معنای مصونیت از مجازات نیست. برای تحلیل هر اصل حقوقی و به خصوص حقوق عمومی باید به

^۱. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، مصونیت کشورها و مقامات حکومتی از دیدگاه حقوق بین الملل، مجله پژوهش حقوق و

سیاست سال سوم شماره ۴ بهار و تابستان ۱۳۸۰ ص ۹۷ و ۹۸

فلسفه ی تشریح آن توجه نمود. در واقع هر اصل حقوق عمومی باید با عنایت به منافع عمومی جامعه مورد استفاده قرار گیرد. نمایندگان پارلمان ممکن است از سوی قوای دیگر (مجریه و قضاییه) چه در دوره ی نمایندگی و چه پس از آن به طرق گوناگون تحت فشار قرار گیرند. چرا که، تصویب برخی قوانین، بیان برخی واقعیات موجود و نیز اعمالی که نمایندگان در اجرای وظایف نمایندگی انجام می دهند با منافع برخی از مقامات یا به طور کلی قوای دیگر در تعارض است. پس برای حفاظت از منافع عمومی جامعه، فارغ از منافع شخصی، نیازمند این هستیم که اراده ی عمومی آزادانه تحقق یابد.^۱

از سوی دیگر باید توجه داشت که این اصل ممکن است با برخی از اصول دیگر نظیر اصل برابری شهروندان در برابر قانون تعارض یابد. ولی با توجه به اهمیت حفظ منافع عمومی در این تعارض اعمال اصل مصونیت موجه به نظر می رسد.

اصل مصونیت پارلمانی در دو بخش قابل بررسی است: عدم مسئولیت و تعرض ناپذیری.

الف) اصل عدم مسئولیت نمایندگان

اصل عدم مسئولیت نمایندگان بیان می دارد که هیچ نماینده ای نباید به موجب عقاید و اعمالی که در دوره ی نمایندگی انجام می دهد، تحت تعقیب قضایی قرار گیرد. این عدم مسئولیت موجب می شود که نماینده به واسطه ی بیم از تعقیب مراجع قضایی از اجرای وظایفش باز نماند.

عدم مسئولیت متضمن سه خصوصیت است: نخست اینکه این مفهوم همه ی گفتار و اعمال نماینده را در بر می گیرد، بدین صورت که عملکرد پارلمانی وی از قبیل رأی ها، بحث ها، گزارش ها، تحقیق ها و اعمالی که برای دفاع از حقوق عمومی انجام می دهد را در بر می

^۱. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد نخست، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲، ص ۴۶۶.

گیرد. بدیهی است که نماینده برای اعمالی که خارج از حیطه ی وظایف پارلمانی انجام می دهد مسؤول است.

دوم، اینکه این عدم مسؤولیت محدود به دوره ی نمایندگی نیست، بلکه دوران پس از پایان نمایندگی را نیز در برمی گیرد. این نیز نتیجه ی منطقی ایجاد امنیت لازم برای نماینده برای ایفای وظایفش است.

و سوم، اینکه این عدم مسؤولیت شامل تعقیب حقوقی و نیز تعقیب کیفری است.^۱
(ب) اصل تعرض ناپذیری

این اصل جنبه ی دیگری از مصونیت پارلمانی را تشکیل می دهد. این اصل در واقع شامل حمایت از نماینده در مورد ارتکاب جرائم و نیز تخلفات حقوقی خارج از حیطه ی وظایف پارلمانی است. این اصل بیانگر این موضوع است که تعقیب نماینده در این گونه موارد متضمن اجازه ی پارلمان است. به عبارت دیگر در خصوص این جرائم، به گونه ای باید عمل شود که در عین حفظ نمایندگان از تعقیب های کیفری و مدنی که مخل کار پارلمان است، نمایندگان از مجازات اعمال خلاف خویش معاف نشوند. بدین ترتیب روش و تشریفات خاصی برای رسیدگی به این گونه جرائم نمایندگان مجلس در نظر گرفته می شود. در قانون اساسی فرانسه نیز بندهای ۳، ۲ و ۱ ماده ی ۲۶ بدین امر اختصاص یافته است. این بندها که در سال ۱۹۹۵ اصلاح شد، هر نوع تعقیب نمایندگان را موقوف به اجازه ی قبلی دفتر پارلمان می داند. اما همین مجوز در صورت ارتکاب جرائم مشهود لازم نیست. در مجموع، می توان گفت که تعرض ناپذیری نوعی حمایت از نماینده از نقطه نظر شکلی است.^۲

اما پس از بررسی فوق، باید دید موقعیت این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به چه صورت است.

^۱ همان، ص ۲۶۸.

^۲ قاضی شرعت پناهی، ابو الفضل، مأخذ یاد شده، ص ۴۷۰.

«نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رای خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظرانی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.»^۱

چنانکه مشاهده می‌شود این اصل به صورت واضح و روشن اصل عدم مسؤلیت نمایندگان مجلس را با تعریفی که در فوق برای آن ارائه شد، در نظر گرفته است.

اما دنباله‌ی اصل که مربوط به تعرض ناپذیری نمایندگان در صورت ارتکاب جرائم مشهود و غیرمشهود بود، در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب نرسید و علت هم اختلاف زیاد اعضای این مجلس در مصادیق آن و بعضاً تعارض آن با قواعد فقهی بود. در نتیجه بدیهی است که حمایت شکلی از نماینده در مقابل تعقیب کیفری یا حقوقی در اصل ۸۶ مورد نظر نبوده و این خود نقص بزرگی در این قانون به شمار می‌رود. رعایت این اصل نقض اصل برابری شهروندان در مقابل قانون نیست، چه، در نهایت قانون در مورد نماینده نیز اجرا می‌شود، ولی وجود این تشریفات این اطمینان خاطر را به مجلس می‌دهد که این تعقیب به منظور اخلاف در کار آن صورت نگرفته است. باز هم باید بر این نکته تأکید نمود که این اصل حتی در بسیاری از نظام‌های حقوقی آنگلو ساکسون اجرا نمی‌شود، ولی عدم اجرای آن به دلیل وجود دادگاه‌های بسیار مستقل این کشورها است.^۲

به هر تقدیر، از مفاد اصل ۸۶ چنین برمی‌آید که در وهله‌ی نخست، این آزادی نمایندگان در ایفای وظایف نمایندگی تمام وظایف را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، این اصل کلیه‌ی اعمالی را که نمایندگان برای احقاق حقوق موکلان خود لازم می‌دانند را در بر می‌گیرد.

در وهله‌ی دوم، مفاد این اصل کلی است و تنها شامل دوره‌ی نمایندگی نیست. در واقع مفاد این اصل ظهور در اطلاق دارد و منظور حمایت از نماینده برای انجام فارغ از دغدغه‌ی

^۱. اصل هشتماد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

^۲. قاضی شرعت پناهی، ابو الفضل، مأخذ یاد شده، ص ۴۷۲.

وظایف خویش است. حال اگر بتوان نماینده را پس از پایان دوره ی نمایندگی به سبب اعمال و گفتارش تحت تعقیب قرار داد، بی تردید فلسفه ی بنیادین این اصل مخدوش می گردد.

و سرانجام در وهله ی سوم، این اصل آزادی نمایندگان را در این خصوص مطلق و بدون قید و شرط می داند. ذکر قید «کاملاً» در اصل به همین سبب است. البته قابل ذکر است که ارتکاب جرائم عمومی شامل این مقوله نیست و این اطلاق در چارچوب قوانین کشور است، ولی پیگیری امور کشور در هر حوزه ای و تمام مسائل داخلی و خارجی کشور مطابق اصل ۸۴ وظیفه نماینده است و آن را نباید در قالب ارتکاب جرائم موضوع قوانین کشور گنجانند.

وجود این آزادی در چارچوب قوانین کشور فقط در مورد جرائم خصوصی مصداق می یابد که عدم تعرض به نماینده در این موارد در قانون اساسی فعلی وجود ندارد و سایر موارد در حیطه ی اصل ۸۶ است که مطابق آن نماینده فاقد مسئولیت در خصوص آن است.^۱

هرچند در تقسیم بندی مصونیت دیپلماتیک و مصونیت سیاسی سران از الگوی ظاهری مشابهی
تبعیت

می شود، اما به جهت مدون نبودن منابع حقوق بین الملل در مورد اخیر، بررسی انواع مصونیت سران و موارد محدود کننده آن از اهمیت ویژه ای برخوردار می گردد. لذا ابتدا به طور مختصر به مصونیت های دیپلماتیک می پردازیم سپس انواع مصونیت سران دولتها را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گفتار دوم: مصونیت های دیپلماتیک

گروسیوس پدر حقوق بین الملل نوین می گوید: دو اصل ثابت، همواره در قانون ملتها وجود داشته که به سفیران تعلق دارد، نخست آنکه استقبال از سفیران لازم است و دیگر، باید از هر

^۱ همان، ۴۷۲.

گونه تعرض سوء نسبت به آنان بر حذر بود. مصونیت فرستادگان را اولین قاعده حقوق بین‌الملل دانسته‌اند. از قرن شانزدهم، مصونیت کیفری فرستاده و از قرن هفدهم با استقرار سفارتخانه‌ها در اروپا مصونیت اماکن مأموریت به عنوان يك قاعده ی حقوق بین‌الملل نوین به رسمیت شناخته شد.^۱

به طور کلی مصونیت‌های دیپلماتیک دو دسته‌اند: مصونیت اصلی و تبعی اول: مصونیت‌های اصلی مثل مصونیت شخص دیپلمات و مصونیت اسناد و بایگانی. این مصونیت برای شخص یا شیئی ایجاد شده است و دوم: مصونیت‌های تبعی که به تبع شخص یا شیئی حاصل شده است. مثلاً مصونیت محل اقامت دیپلمات یا مصونیت اهل خانه ی او به تبع شخص دیپلمات ایجاد شده است و مصونیت محل سفارتخانه به تبع مصونیت اسناد و مدارک دولت فرستنده. قاعده ی مصونیت هم محل مأموریت دیپلماتیک و هم شخص دیپلمات و خانواده او را در بر می‌گیرد که عده ای اولی را به تبعیت از دومی می‌دانند.^۲ مصونیت‌های دیپلماتیک صرف‌نظر از اصلی و تبعی دو نوع است: مصونیت از تعرض و مصونیت قضایی.

الف) مصونیت از تعرض

مصونیت از تعرض یعنی حرمت و حقوق یک محل یا یک شخص غیر قابل نقض است. وارد شدن به محل بدون اجازه، تعرض به مصونیت محل است و نقض حقوق و آزادی‌های شخصی و تعرض به مصونیت شخصی است. در اصطلاح بین‌المللی این به معنی غیر قابل قبول بودن ایمنی و حرمت شخصی به مفهوم عدم نقض آزادی و حقوق اوست. اما این حرمت‌ها منحصر به محل سفارت یا شخص دیپلمات نیست، بلکه در هر رژیم دموکراتیک هر کس و مسکن او از

^۱. Denza, Elleen: Diplomatic agents and missions privileges and Immunities , Encyclopedia of Public International Law, vol.9, Netherlands, 1981, p. 94.

^۲. صدر، جواد، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم ۱۳۸۶، ص ۸۷.

این حرمت به موجب قوانین اساسی برخوردار است؛ مگر به حکم قانون و یا مجوز از مقامات ذیصلاح قضایی و حال آنکه حرمت محل سفارت و شخص دیپلمات و خانگی او غیر قابل تخطی است و هیچ قانون داخلی نمی‌تواند خلاف آنرا مقرر کند.^۱ مصونیت از تعرض در موارد زیر قابل تفکیک است:

- مصونیت محل کار مأموریت دیپلماتیک
- مصونیت نوشته‌ها و اسناد دیپلماتیک
- مصونیت شخصی مأمور دیپلماتیک
- مصونیت خانواده ی دیپلماتیک

(ب) مصونیت قضایی^۲

وظایف خاص مأمورین سیاسی و موفقیت نمایندگی آنها در یک کشور مستقل ایجاب می‌کند در معرض تعقیب جزایی و رسیدگی‌های حقوقی قرار نگیرند و این بدین معنی است که دولت میزبان صلاحیت قضایی یا قانونی برای رسیدگی نداشته باشد، بلکه دولت‌ها از اعمال صلاحیت خود در مورد دیپلمات‌ها خودداری می‌کنند. البته رعایت مقررات کشور محل توقف و احتیاط و دوراندیشی مأمور سیاسی باید به نحوی باشد که موردی برای اتهام و تعقیب پیش نیاورد؛ ولی به هر حال چنانچه شکایتی علیه مأمور سیاسی مطرح باشد، فقط در محاکم دولت متبوع قابل رسیدگی است.

مصونیت قضایی اصولاً برای مأمورین دیپلماتیک است، نه سفارتخانه‌ها و به منظور تأسیس استقلال و آزادی عمل مأمورین در انجام وظایف و خدمات خود.^۳

^۱. همان، ص ۱۰۱-۸۸.

^۲ judicial immunity.

^۳. صدر، جواد، مأخذ یاد شده، ص ۱۰۲.

مصونیت قضایی متضمن: الف- مصونیت کیفری، ب- مصونیت مدنی، ج- مصونیت از ادای شهادت، د- مصونیت از اقدامات اجرایی است.^۱

ج) ضمانت اجرای سوء استفاده از مصونیت دیپلماتیک در اسناد حقوق دیپلماتیک چنانچه دارندگان مصونیت از آن سوء استفاده نمایند، ضمانتهای زیر پیش‌بینی شده است:

- ۱- اعلام شخص به عنوان «عنصر نامطلوب»^۲ توسط دولت پذیرنده.
- ۲- احضار و فراخوانی شخص خاطی توسط دولت فرستنده.
- ۳- خاتمه دادن به وظیفه‌ی شخص خاطی توسط دولت فرستنده و انصراف از مصونیت وی، تا امکان محاکمه در کشور پذیرنده فراهم گردد.
- ۴- قطع روابط دیپلماتیک.^۳

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۱۹۸۰ خود در قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران به موارد چهارگانه‌ی فوق اشاره کرده و می‌گوید: «قواعد حقوق دیپلماتیک در بردارنده‌ی رژیم‌ی است که از يك سو تعهدات کشور پذیرنده را در مورد احترام به تسهیلات، مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های دیپلماتیک معین می‌نماید و از سوی دیگر در صورت سوء استفاده اعضای مأموریت، پیش‌بینی‌های ممکن را نموده و ابزارهای خاص مقابله با هر گونه سوء استفاده را در اختیار کشور پذیرنده قرار داده است. در صورت سوء استفاده از قبیل جاسوسی و مداخله در امور داخلی، به ملاحظه اینکه در عمل، اثبات این جرایم مشکل است، می‌توان مطابق (ماده ۹ بند ۱) کنوانسیون روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)، خاطی را عنصر نامطلوب یا غیر قابل قبول اعلام کرد. علاوه بر آن چاره‌ی اصلی جلوگیری از سوء استفاده از

^۱. همان، ص ۱۰۲.

^۲. Persona non grata.

^۳. میر محمدی، سید مصطفی، مأخذ یاد شده، ص ۱۶۴-۱۵۸.

وظایف دیپلماتیک که در حد گسترده‌ای صورت می‌گیرد، در اختیار دولت پذیرنده است. هر کشور پذیرنده‌ای می‌تواند چنانچه صلاح بداند به قطع روابط دیپلماتیک اقدام نموده، فوراً خاتمه ی مأموریت فرد خاطی را اعلام نماید^۱.

گفتار سوم: مصونیت‌های سیاسی سران دولتها

تقسیم بندی انواع مصونیت سیاسی سران دولتها نیز کمابیش مشابه مصونیت‌های دیپلماتیک است.

الف) مصونیت از تعرض

جان، مال، محل کار و محل اقامت مقامات عالی رتبه حکومتی یک کشور و خانواده و همراهان آنان در کشور دیگر باید مورد احترام بوده و از هرگونه تعرض مصون باشد. در قوانین داخلی بسیاری از کشورها، مقررات خاصی تضمین کننده این مصونیت است. از جمله طبق قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) هرکس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید، به سه تا ده سال حبس و هرکس به آنان توهین نماید، به یک تا سه سال حبس محکوم می‌شود. اجرای مقررات مذکور مبتنی بر معامله ی متقابل است^۲.
نقض مصونیت از تعرض و عدم پیش بینی و پیش گیری در وقوع آن و یا عدم مجازات ناقضان این مصونیت از موجبات مسؤولیت بین المللی کشور خارجی است^۳.

ب) مصونیت قضایی

این مصونیت در بردارنده ی معافیت استفاده کننده ی آن از اجرای قوانینی که در یک کشور در مورد صلاحیت دادگاهها اعمال می‌شود، می‌باشد و در اینجا منظور از استفاده کننده

^۱ همان، ص ۱۵۷.

^۲ - مواد ۵۱۶ و ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی.

^۳ - ضیائی بیگدلی، محمد رضا، مأخذ یاد شده، ص ۹۹.